

تاریخ ارسال به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " ۲۷ / دسمبر / ۲۰۱۲

به ضد اشکال تجاوز ، غارت و اشغال کشور از جانب امپریالیزم جهانی به پا خیزیم !

به خاطر تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی در ششم جدی ۱۳۵۸ خورشیدی به کشورما افغانستان ؛ سروده ای تحت عنوان " عبور لحظه ها " را از جلد اول سروده هایم ("عبور لحظه ها ") برگزیده پیشکش مردم در خون و آتش فرورده شده ما توسط سوسیال امپریالیزم غارتگر و جنایتکار روس و شرکاء- این پلید ترین رویونیست های خاین به آرمان والای پرولتاریای جهان و خائنین به تمام بشریت - و جنایتکاران و میهن فروشان خلقی ، پرچمی و خادی ؛ تقدیم می نمایم و درود های آتشینم را به مردم دربند افغانستان - مردم هزاران بار عزیزتر از جانم - می فرستم که هم اکنون حرکت چرخهای خونین ماشین جنگی قوت های مسلح امپریالیزم جهانخوار امریکا و شرکاء را بر روی زخم های خونین به جا مانده از تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی تحمل می نمایند ؛ به امید آنکه درفش لگدمال شده آزادی را فرزندان دلاور و فداکار و سرخین اندیشه شان از میان خون و خاکستر بردارند و در برابر بزرگترین قدرت های امپریالیستی جهان به رهبری خون آشام ترین غارتگران و بی رحم ترین جنایتکاران تاریخ بشریت ؛ یعنی امپریالیزم جنایت کار و غارتگر امریکا ، بایستند .
به امید آن روز که رسیدنی ست .

کبیر توخی

مرگ بر امپریالیست های روسیه -

این ادامه دهندگان خط تغییر داده شده سوسیال امپریالیست های جنایتکار و چپاولگر شوروی سابق !

مرگ بر امپریالیزم وحشی خون آشام و غارتگر امریکا !

زنده باد مبارزات برحق خلقهای جهان در برابر استثمار ، استعمار و امپریالیزم !

عبور لحظه ها [۱]

در آن شبِ پُر اضطراب و ظلمانی
 سکوت ، بال سنگینش را
 بر سینهٔ سنگفرش زندان می سائید
 جلاد (۱) با سیمای هیبتناکش می لرزید
 وز عبور لحظه ها می ترسید



زخم چرکین دو کتف ضحاک (۲)
 بوی گند می داد.
 فضای قصرش آگنده از سم
 در قربانگاهش تنی چند
 ضحاک با هیکل وحشتناکش ، می لرزید
 وز عبور لحظه ها می ترسید



آواز خشک کلید
 در گوش نخستین قفل پیچید
 درب آهنین سلول چرخید،
 جلاد ،

_ این هیولای هول و هراس _ !
 فر یاد کشید:

" تهمتن کیست ؟ بهمن کیست ؟ " (۳)
 اسیری ز جا بر خاست،
 و بسان شیر غرید:
 " منم گُرد دوران ، منم بهمن ! "
 صدای جلاد آهسته تر شد...
 " بهمن ! بیا با من ،
 که ضحاکم تشنهٔ خون است "



آواز خشک کلید،
 در گوش ششمین قفل پیچید
 درب آهنین سلول چرخید
 شش همنبرد و هم حلقه
 سردادند این شعار:
 " در اهتزاز باد درفش گلگون آزادی "
 کز طنین آن
 در و دیوار و غل و زنجیر لرزید.



ساطورپاشنه جلا
 برسینه سنگفرش زندان
 هزارمین قربانی را رقم زد
 و آنگاهش
 جلا؛
 _ این خدای دخمه مرگ آفرین _
 بر آستان ضحاک،
 بوسه ای چند زد.



از مژه چشم لحظه ها،
 سرخین حماسه ای
 بر کتیبه تاریخ چکید
 و؛ اما،
 در پگاهش
 آفتاب؛
 _ این کوره تابان هستی ساز _
 بر گور شهیدان،
 سجده ای چند زد.

■ [۱]- سروده " عبور لحظه ها " در ماه سرطان ۱۳۶۰ (یکی دو روز بعد از اعدام رفقا) در زندان پلچرخی شکل گرفت. این سروده در شماره... ماهنامه " ۲۳ ثور " صفحه ۱۱ سال ۱۹۸۹ چاپ آلمان به نام مستعار "پرخاش" و به روی صفحه " اشعار دشنه گون " و ماهنامه " آذرخش " شماره ... سال... چاپ سوئیس به نام مستعار پ. رتیل و ماهنامه "قطب نما" شماره پنجم، اکتوبر ۲۰۰۴ نشر شده است.

۱- جلا (" نجیب گاو ").

۲- ضحاک (پرژنف.)

۳- « بهمن (سید بشیر بهمن) عضو کمیته مرکزی سازمان انقلابی و طن پرستان واقعی (" ساوو ") بود. وی از چهره های محبوب و سرشناس جنبش انقلابی [کمونیستی ضد امپریالیستی و نوکران اخوانی آن]، ضد سوسیال امپریالیستی و عمال پرچی - خلقی - [و سازهایی آن، و ضد طبقات حاکمه] و سایر مرتجعان دیگر به شمار می رفت .

هنگامیکه محصل فاکولته حقوق بود (۱۳۴۷) . به خاطر فعالیت های سیاسی محکوم به چهار سال حبس در زندان معروف دهمزنگ کابل گردید. بعد از سپری نمودن زندان، دوره فاکولته حقوق را [در پوهنتون کابل (دانشگاه)] به اتمام رساند. در وزارت عدلیه مشغول کار شد.

بهمن هشت ماه بعد از تجاوز ارتش اشغالگر روس به افغانستان ، به تاریخ چهارم سنبله ۱۳۵۹ با سه تن از همزمانش توسط خادی های مزدور دستگیر شد، و به تاریخ دوازدهم سرطان ۱۳۶۰ ، همراه با پنج همزنجیرش اعدام گردید. [این کمونیست نامور کشور] در زیر شکنجه های وحشیانه جلاخان خادی آموزش دیده در شوروی [که به دستور مشاورین نظامی روسی ، بر پیکر پولا دینش تمرین میشد] حماسه آفرید. هیبت و صلابتش در جریان شکنجه، پشت KGB و چاکران خلقی - پرچی اشرا به لرزه در آورد. چنانچه دژخیمان خاد [که در برابر زندانیان یک دیگر شان را " لا لا " صدا می زدند] نالش کنان به همدیگر می گفتند : " لا لا ، چوب سر آب را هر چه می زنیم زیر نمی نشیند ! " و جلا دیکر [از جمله قیوم صافی] شکوه کنان می گفت : " ... هر دفعه که از او سوال می کنیم به روی ما تف می اندازد ... " .

بهمن بار ها تاکید می کرد که اخوان دهها بار سفاکتر و میهن فروشتر از خلقی ها و پرچی هاست؛ حتی لحظه ای از مبارزه بر ضد آنان نباید غافل شد.

" افسوس که بهمن زنده نماند تا به چشم واقعیت آنچه را بر زبان رانده بود مشاهده می کرد و با استواری بی نظیرش علیه خاینان بنیاد گرا نیز حماسه می آفرید " .

[درختم یادشت از این قلم در مورد بهمن، جمله اخیر (" افسوس که بهمن ... ") از جانب دوستی که سروده فوق را به سایت " به اشعار دشنه گون خوش آمدید " فرستاده بود، علاوه شده، و نکات بین مربع قوس] [در جریان چاپ این دفتر به زیر نویس اضافه گردیده است.] .

مد تهاست که " عبور لحظه ها " در سایت وزین و پر محتوای (" به اشعار دشنه گون خوش آمدید ") بر قرار می باشد .

مجموعه اشعار متن دفتر " عبور لحظه ها " بر روی سایت چریکهای فدایی خلق ایران (<http://www.fadaee.org/>) یا (<http://www.siahkal.com>) و متعاقب آن به سایت

(www.payameazadi.org) نیز برقرار گردیده است (پ . رتیل) □